

رسالة محمد

01

٩٥٢٥٢



دانشگاه الزهراء

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته روانشناسی عمومی

عنوان

بررسی ارتباط بین سبک های شناختی و شیوه های مقابله با بحران در دانش
آموزان دختر پایه دوم و سوم متوسطه در رشته های علوم تجربی ، انسانی و
ریاضی شهرکرد

استاد راهنما

دکتر مهرانگیز پیوسته گر



دانشجو

نازی شیخی

۱۳۸۷/۲/۱۱

سال ۸۶-۸۷

۹۵۴۵۳

از زحمات بی دریغ خانم دکتر پیوسته گر و خانم دکتر صمدی که مرا در تهیه و نگارش این
پایان نامه ، هدایت کردند ، تشکر و قدردانی می نمایم .

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سبک های شناختی و شیوه های مقابله با بحران در دانش آموزان دختر پایه دوم و سوم دبیرستان در رشته های علوم تجربی ، انسانی و ریاضی ، انجام شده است . آزمودنی های پژوهش را ۳۶۰ نفر از دانش آموزان پایه دوم و سوم دبیرستان در رشته های علوم تجربی ، انسانی و ریاضی شهرکرد ، تشکیل داده اند که به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای ، انتخاب شدند . ابزار پژوهش ، شامل دو پرسشنامه سبک های یادگیری کلب و شیوه های مقابله با بحران اندلر و پارکر ، بود . نتایج بدست آمده ، حاصل از اجرای دو پرسشنامه که توسط دانش آموزان ، تکمیل شده بود ، توسط آزمون آماری خی دو و تحلیل واریانس ، مورد تجزیه و تحلیل ، قرار گرفت .

یافته های این پژوهش نشان داد که بین سبک های شناختی و شیوه های مقابله ای دانش آموزان ، رابطه معنی داری ، وجود ندارد . ولی بین سبک های شناختی و رشته های تحصیلی رابطه معناداری بدست آمد . به طوری که رشته علوم تجربی بیشتر دارای سبک شناختی جذب کننده و همگرا ، رشته علوم انسانی دارای سبک شناختی واگرا و جذب کننده و رشته علوم ریاضی دارای سبک شناختی جذب کننده و همگرا بودند . بین شیوه های مقابله با بحران و رشته های مختلف تحصیلی ، رابطه معناداری بدست نیامد . البته بیشترین فراوانی سبک های شناختی در سبک شناختی جذب کننده و بیشترین فراوانی شیوه های مقابله ای در شیوه مقابله هیجان مدار ، مشاهده شد . این امر نشان می دهد که دانش آموزان دارای سبک های شناختی متفاوتی هستند ولی این سبک ها در انتخاب راهبردهای مقابله ای ، نقش موثری ندارند . و عوامل دیگری ، زمینه ساز تفاوت موجود در انتخاب راهبردهای مقابله ای می باشند .

فهرست عناوین

عنوان	شماره صفحه
فصل اول	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۱-۲ بیان مسئله	۴
۱-۳ اهمیت و ضرورت	۶
۱-۴ سؤال پژوهش	۱۰
۱-۵ اهداف پژوهش	۱۲
۱-۱-۵ هدف کلی پژوهش	۱۳
۱-۶ متغیرهای پژوهش	۱۵
۱-۱-۶ متغیرهای مستقل	۱۵
۲-۱-۶ متغیرهای وابسته	۱۵
۱-۷ تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها	۱۵
۱-۱-۷ تعریف مفهومی متغیرها	۱۵
الف- سبک های شناختی	۱۵
ب - شیوه های مقابله با بحران	۱۶
۲-۱-۷ تعریف عملیاتی متغیرها	۱۶
الف - سبک های شناختی	۱۶
ب - شیوه های مقابله با بحران	۱۶

۱۸.....	فصل دوم
۱۹.....	بخش اول
۱۹.....	مقدمه
۱۹.....	الف - سبک های شناختی (یادگیری)
۱۹.....	شناخت
۲۰.....	فراشناخت
۲۰.....	راهبردهای شناختی
۲۰.....	راهبردهای فراشناختی
۲۱.....	تعریف یادگیری
۲۲.....	مراحل یادگیری
۲۳.....	یادگیری و عملکرد
۲۳.....	تجربه و یادگیری
۲۴.....	یادگیری و سازگاری
۲۵.....	نکات اساسی در یادگیری از دیدگاه محققان
۲۶.....	اصول اساسی یادگیری در مکاتب روان شناسی
۲۷.....	تعریف سبک های شناختی (سبک های یادگیری)
۲۷.....	انواع سبک های شناختی
۲۸.....	- سبک شناختی همگرا ، واگرا
۲۹.....	- سبک شناختی وابسته به زمینه ، مستقل از زمینه

- ۳۰..... سبک شناختی تکانشی ، تأملی
- ۳۰..... سبک شناختی کلی نگر ، جزئی نگر
- ۳۱..... ویژگی های سبک شناختی کلی نگر ، جزئی نگر
- ۳۱..... ویژگی های سبک شناختی کلامی ، تصویری
- ۳۲..... ماهیت سبک های شناختی
- ۳۳..... ویژگی های سبک های شناختی
- ۳۵..... مقدمه ای بر نظریه کلب
- ۳۶..... تجربه عینی
- ۳۷..... مشاهده تأملی
- ۳۷..... مفهوم سازی انتزاعی
- ۳۸..... آزمایشگری فعال
- ۳۹..... انواع سبک های شناختی (یادگیری) از نظر کلب
- ۳۹..... سبک شناختی واگرا
- ۴۰..... سبک شناختی همگرا
- ۴۱..... سبک شناختی جذب کننده
- ۴۲..... سبک شناختی انطباق یابنده
- ۴۴..... سبک شناختی و برتری نیمکره ها
- ۴۶..... کاربرد سبک های شناختی
- ۴۹..... ب - شیوه های مقابله با بحران

- ۴۹..... تنیدگی یا فشار روانی
- ۵۰..... استرس و اضطراب
- ۵۰..... نوجوانی و استرس
- ۵۱..... دیدگاه فروید درباره فشار روانی
- ۵۲..... دیدگاه آلیس
- ۵۲..... دیدگاه فرانکل
- ۵۳..... دیدگاه سلیه
- ۵۳..... دیدگاه هولمز و زاهه
- ۵۴..... کنار آمدن با مشکلات یا مقابله با بحران
- ۵۵..... تعریف مقابله با بحران
- ۵۷..... راهبردهای مقابله با بحران
- ۵۸..... مقابله در نوجوانی
- ۵۸..... منابع مقابله از نظر لازاروس و فولکمن
- ۶۱..... دیدگاه های روان شناسان درباره شیوه مقابله با بحران
- ۶۴..... انواع مختلف مقابله
- ۶۴..... - مقابله سازگارانه و ناسازگارانه
- ۶۵..... - مقابله مؤثر و غیر مؤثر
- ۶۵..... - مقابله کارآمد و ناکارآمد
- ۶۵..... جمع بندی کلی درباره شیوه های مقابله با بحران

- ۱- شیوه های مقابله متمرکز بر مشکل (مسئله مدار) ۶۶
- شناخت و مقابله متمرکز بر مشکل ۶۸
- ۲- شیوه های مقابله متمرکز بر هیجان ۶۹
- شناخت و هیجان ۶۹
- دیدگاه نظریه پردازان اجتماعی ۷۰
- دیدگاه نظریه پردازان طبیعت گرا ۷۰
- دیدگاه نظریه پردازان تکاملی ۷۱
- مدل های هیجانی ارائه شده توسط محققین ۷۱
- مدل آرنولد ۷۱
- مدل شبکه تداعی معانی باور ۷۳
- مدل لنگ ۷۴
- مدل لویتال ۷۴
- ۳- روش اجتنابی ۷۵
- شناخت و مقابله اجتنابی ۷۶
- لزوم توجه به شیوه های مقابله با بحران ۷۶
- بخش دوم ۷۸
- تاریخچه پژوهش های انجام شده در زمینه متغیرهای پژوهش ۷۸
- الف - پژوهش های انجام شده در زمینه سبک های شناختی ۷۸
- ب - پژوهش های انجام شده در زمینه شیوه های مقابله با بحران ۸۹

پ - پژوهش های انجام شده در زمینه بررسی رابطه بین شناخت

(ارزیابی شناختی ، سبک های شناختی) و شیوه های مقابله ای ۹۹

جمع بندی کلی ۹۹

فصل سوم ۱۰۶

۳-۱ مقدمه ۱۰۷

۳-۲ طرح پژوهش ۱۰۷

۳-۳ جامعه آماری ۱۰۷

۳-۴ نمونه و حجم آن ۱۰۸

۳-۵ روش اجرای پژوهش ۱۰۹

۳-۶ ابزار سنجش (جمع آوری اطلاعات) ۱۱۰

۱-۳-۶ پرسشنامه سبک های یادگیری و روایی و پایایی آن ۱۱۰

الف - پرسشنامه سبک های یادگیری ۱۱۰

ب - روایی و پایایی پرسشنامه ۱۱۱

- روایی و پایایی پرسشنامه در خارج از کشور ۱۱۲

- روایی و پایایی پرسشنامه در ایران ۱۱۳

۲-۳-۶ پرسشنامه شیوه های مقابله ای و روایی و پایایی آن ۱۱۵

الف - پرسشنامه شیوه های مقابله با بحران ۱۱۵

ب - روایی و پایایی پرسشنامه در داخل و خارج کشور ۱۱۵

۳-۷ شیوه های آماری ۱۱۶

۱۱۶.....	۳-۸ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۱۱۷.....	فصل چهارم
۱۱۸.....	مقدمه
۱۱۸.....	آمار توصیفی
۱۱۸.....	اطلاعات آماری مربوط به نمونه
۱۱۹.....	اطلاعات آماری مربوط به سبک های شناختی
۱۲۴.....	اطلاعات آماری مربوط به شیوه های مقابله با بحران
۱۲۴.....	آمار استنباطی
۱۲۶.....	فرضیه اول
۱۲۸.....	فرضیه دوم
۱۲۹.....	فرضیه سوم
۱۲۹.....	فرضیه چهارم
۱۳۰.....	فرضیه پنجم
۱۳۰.....	فرضیه ششم
۱۳۲.....	فرضیه هفتم
۱۳۵.....	فصل پنجم
۱۳۶.....	بحث و نتیجه گیری
۱۵۴.....	محدودیت های پژوهش
۱۵۴.....	پیشنهادات کاربردی

پیشنهادات پژوهشی ۱۵۵

منابع ۱۵۷

فصل اول

۱ - ۱ مقدمه

هرگاه زندگی را عبارت از سازگاری موجود زنده با ارگانیسم بدانیم ، ناگزیریم بپذیریم که یک موجود زنده وقتی می تواند زندگی خود را ادامه دهد که بتواند محیط را چنان تغییر دهد که نیازهایش را ارضا کند و یا خود را با محیط تطبیق دهد . بدیهی است ، میزان و کیفیت سازگاری فرد با محیط از عواملی چون هوش ، استعداد ، وضع موجود محیط و امکانات موجود فرد ، متأثر می شود . بدین معنا که هر قدر فرد از هوش و استعداد بیشتری برخوردار باشد ، آسانتر و سریع تر و بهتر می تواند با محیط سازگاری کند . و چون انسان از لحاظ استعداد ، به ویژه استعداد یادگیری ، برترین موجودات زنده شناخته شده است ، بنابراین بهتر و سریعتر و آسانتر از سایر موجودات زنده می تواند با محیط سازگار شود . انسان ها برای سازگاری بهتر با محیط زندگی ناگزیر از شناخت محیط پیرامون خود هستند . در واقع هر کسی از آغاز زندگی در این جهان با شناخت آنچه در جهان است یا آنچه در آن می گذرد ، تلاش می کند تا آگاهی لازم برای زیستن و سازگاری با محیط را بدست آورد . و کم و کیف همین آگاهی ، بدون شک مهمترین عامل موثر در چگونگی سازگاری او با محیط به شمار می رود و همین مسئله است که متفکران و دانشمندان را به بررسی مسئله شناخت یا معرفت برانگیخته است . در کنار شناخت محیط افراد ، شناخت خود انسان و آگاهی از توانایی ها و استعدادهایی که دارد ، هم می تواند ، او را در سازگاری بهتر و رسیدن به آرامش و امنیت خاطر ، راهنمایی کند . انسانها با شناخت توانایی های خود می توانند در مواجهه با موقعیت های مختلف ، از آن توانایی ها ، حداکثر استفاده را بنمایند . به طبع ، شناخت شناخت ، اهمیت بیشتری پیدا می کند . مطالعه شناخت و اینکه اصلا ، شناخت چیست و چگونه ، بوجود

می آید ، بسیار امر مهم و اساسی است . و محققان زیادی (مثل لازاروس ، فولکمن و فلاول) روی مسئله شناخت و ارزیابی شناختی کار کرده اند . تا بتوانند افراد را از تأثیری که این شناخت و آگاهی می تواند بر رفتارشان بگذارد ، آگاه سازند . آنها معتقدند که شناخت و ارزیابی شناختی در رویارویی افراد با موقعیت ها و مسائل مختلف ، نقش اساسی را ایفا می کنند .

اصولاً مطالعه چگونگی شناخت و یادگیری بر چگونگی آموزش و تدریس ، مقدم است . یعنی پیش از اینکه بدانیم چگونه باید موضوعی را تدریس کرد ، باید بدانیم یادگیرنده ، آن موضوع را چگونه یاد می گیرد . مثلاً در پاسخ این پرسش که به دانش آموز کلاس اول ، درس حساب را چگونه باید آموخت ؟ ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که کودک ، مفهوم عدد و شمارش را چگونه یاد می گیرد و همینطور دروس دیگر . برخی محققان معتقدند که تفاوت های فردی در حوزه یادگیری ، متأثر از سبک ها و شیوه های شناختی افراد ، می باشد . و برخی دیگر از محققان معتقدند که این سبک ها در حوزه های دیگری مانند حرفه ، انتخاب رشته و شیوه های مقابله و رویارویی با محیط پیرامون ، نیز موثر می باشند . مثلاً کامپاز (۱۹۸۸) معتقد بود که شیوه های مقابله ای نوجوانان ، می تواند از سبک های شناختی که آنها به کار می برند ، تأثیر بپذیرد . پژوهش حاضر ، در راستای پژوهش های آن دانشمندان بزرگ ، به بررسی سبک های شناختی و شیوه های مقابله ای ، خواهد پرداخت .

۱-۲ بیان مسئله

دانش آموزان امیدهای فردا و آینده سازان جامعه ما هستند . هر جامعه ای برای پیشرفت و ترقی خود ، به نیروی انسانی ماهر و کوشا ، نیاز دارد و این دانش آموزان هستند که در آینده زمام کشور را بدست می گیرند . بنابراین باید به مسائل دانش آموزان توجه کافی شود و یکی از مهمترین مسائلی که در مورد دانش آموزان مطرح می شود ، مسئله شناخت و یادگیری آنهاست . اینکه دانش آموزان چگونه آگاهی و شناخت پیدا می کنند و چگونه یاد می گیرند ، از چه شیوه هایی در یادگیری خود ، استفاده می کنند ، این شیوه ها تا چه حد ، متناسب روحیات و خلیات آنها است و تا چه حد دربالا بردن اطلاعات و آگاهی و یادگیری شان ، موثر هستند (منصوری ، ۱۳۷۹) .

بررسیها نشان داده اند که دانش آموزان برای مطالعه و یادگیری خود از روشهای مختلفی استفاده می کنند . این روش ها تا اندازه ای تحت تاثیر سبکهای شناختی^۱ (سبک های یادگیری^۲) و تا اندازه ای تحت تاثیر محتوای درسها ، شکل می گیرند (نیوبل ، هجکاو ، والان^۳ ، ۱۹۹۵ . به نقل از رحمانی شمس ، ۱۳۷۹) .

سبکهای شناختی (یادگیری) بیانگر طرز دقت ، به خاطر سپردن ، تفکر و نحوه حل مسائل است . سبکهای شناختی نشان می دهند که یادگیرنده چگونه مسائل را به خاطر می سپارد ، چگونه فکر می کند و مسائل را حل می کند (وول فولک ، ۱۹۹۵) . و شامل باورها ، اعتقادات ، رجحانها و رفتارهایی است که افراد به کار می برند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک کنند (وول فولک ، ۱۹۹۵) . سبکهای شناختی از طریق یادگیری حاصل می شوند و بنابراین قابل تغییر و دگرگونی هستند (پارسا ، ۱۳۷۶) . افراد با آگاهی از نوع سبک خود ، می

Cognitive Styles¹
Learning Styles²
Newbel ,& Whelan ,& Hejka³

توانند ، راهبردهایی را بیاموزند تا به کمک آنها از حداکثر نقاط قوت و ضعف سبک خود بهره گرفته و نقاط ضعف و محدودیتها را به حداقل برسانند . سبکها همچنین بر ایجاد گروهها ، روابط اجتماعی ، عملکرد شغلی و شیوه های مدیریتی اثر می گذارند . مثلاً کوهن^۱ و اسکولر^۲ (۱۹۷۸) به این نتیجه رسیدند که مردانی که از نظر شناختی انعطاف پذیر بودند ، شغلی را جستجو می کردند که چالش انگیز و تقویت کننده خودمختاری آنها باشد (لورا برگ ، ۱۹۹۹) .

از سوی دیگر همه ما می دانیم که تغییر و دگرگونی جزء اساسی و همیشگی زندگی انسان ها می باشد (رضابخش ، ۱۳۸۴) . این تغییر و دگرگونی می تواند تنیدگی هایی را در افراد ، ایجاد کند . اصولاً هر نوع دگرگونی در زندگی انسان ، خوشایند و ناخوشایند ، مستلزم نوعی سازگاری مجدد ، است . برای رسیدن به این سازگاری ، انسان ها به مقابله با این تغییرات ، می پردازند (کاسیدی ، ۱۹۹۹) . رفتار افراد در رویارویی با موقعیت های مختلف ، تغییرات زندگی و تنیدگی حاصل از آنها ، بسیار با یکدیگر ، متفاوت است (همان منبع) . برخی از پژوهشگران عواملی از قبیل هوش و استعداد (وکسلر) ، نحوه تفکر (پیاژه) ، تقویت کننده ها (اسکینر) ، شناخت و ارزیابی های شناختی (فولکمن و لازاروس) را مطرح کرده اند و معتقدند که این عوامل می توانند در رویارویی انسان با محیط و تغییرات آن و نوع رفتاری که از او ، سر می زند ، مؤثر باشند . برخی از محققان به عوامل محیطی (روان شناسان محیط گرا مانند واتسون ، اسکینر) ، برخی به عوامل ژنتیکی (هال و گزل) و برخی دیگر به هر دو (پیاژه و بندورا) اهمیت داده اند . بین محققان بر سر این موضوع که چه عواملی می تواند ، توجیه کننده رفتار متفاوت انسانها با محیط و تغییرات آن باشد ، اختلاف نظر وجود دارد . ولی

Cohen¹
Skolher²

آنچه که در این میان می توان به طور قاطع بیان کرد ، این است که انسانها در رویارویی با تغییرات و دگرگونی های محیطی (محیط داخلی و خارجی) عملکرد متفاوت دارند . به عبارت دیگر ، برخی از افراد ، توان مقابله ای بهتری دارند . اگر به افراد مختلف ، درجه یکسانی از استرس ، وارد شود ، فردی که راهبرد مقابله ای مؤثرتر را به کار گرفته است ، آشفتنگی کمتری را تجربه می کند (کاسیدی ، ۱۹۹۹) .

افراد برای رویارویی و مقابله با محیط ودگرگونی های آن ، دست به انتخاب می زنند . و برای اینکه بهترین و مؤثرترین راهبرد را انتخاب کنند ، لازم است که مهارت ها و آگاهی هایی را در این زمینه بدست آورده باشند . آنها باید به این امر ، واقف شوند که تغییرات و دگرگونی هایی که روی می دهند ، می توانند تنیدگی هایی را در آنها ، ایجاد کنند . بنابراین آنها باید با تنیدگی و نحوه رویارویی با آن ، آشنا شوند ، راهبردهای مختلف رویارویی را بشناسند و کارآیی هر یک را در شرایط مختلف بدانند . و این امر ، بویژه در دوره نوجوانی ، اهمیت بیشتری پیدا می کند . سالهای نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می رود (محمد خانی ، ۱۳۷۴) .

برای مقابله مؤثر با بحران ، نوجوانان که اغلب آنها ، در دوران تحصیل در دبیرستان ، به سر می برند ، باید ، مهارتهایی را در این زمینه ، بدست آورند . و چگونگی کسب این مهارت ها ، بسیار مهم است . دانش آموزان اصولاً برای یادگیری و کسب هر دانش و مهارتی ، سبک ها و شیوه هایی را به کار می برند . به این سبک ها که متأثر از نحوه شناخت آنها است ، سبک های شناختی گفته می شود . این سبک ها در نحوه یادگیری دانش آموختگان و پیشرفت تحصیلی آنها ، تأثیر دارند . اما از آنجا که برخی تحقیقات نشان داده که سبکهای شناختی بر نظر و نگاه

افراد نسبت به رویدادها و ایده ها ، بر این که چگونه یک فرد پیرامون وقایع زندگی خود می اندیشد ، تصمیم گیری می کند و واکنش نشان می دهد ، اثر دارند (باتلر ، ۱۹۹۹ ، وول فولک ، ۱۹۹۵) ، در این پژوهش سعی می شود که به بررسی سبک های شناختی و شیوه های مقابله ای مورد استفاده توسط دانش آموزان دختر رشته های مختلف تحصیلی ، در مقطع دوم و سوم متوسطه ، پرداخته شود و اگر ارتباطی بین سبک های شناختی مختلف و شیوه های مقابله ای ، وجود دارد ، مشخص گردد .

۳-۱ / اهمیت و ضرورت

از آنجایی که محیط زندگی آدمی همواره در معرض تغییر است ، انسان برای غلبه بر این دگرگونی ها ناگزیر از یادگیری است (پارسا ، ۱۳۷۲) .

افراد در یادگیری ، روشهای مختلفی را به کار می گیرند . برخی محققان معتقدند تفاوت های فردی در حوزه یادگیری ، مربوط به سبک های شناختی است که افراد به کار می برند (وول فولک ، ۱۹۹۵) .

رابرت . ج . استرنبرگ (۱۹۹۱) در مقاله خود در پاسخ به این سؤال که چرا روان شناسان باید به سبکهای شناختی توجه کنند ، پاسخ عمده ای که ذکر می کند این است که اولاً سبک های شناختی پلی بین شخصیت و شناخت است ، دو چیزی که ظاهراً جدا از یکدیگر به نظر می رسند و دوم اینکه سبکهای شناختی کاربردهای مهمی در آموزش و پرورش دارد و سوم اینکه سبکهای شناختی کاربردهای وسیعی در انتخاب حرفه افراد و پیش بینی موفقیت فرد در حرفه دارد (استرنبرگ ، ۱۹۹۱) .

توجه به تفاوت‌های فردی و واداشتن دانش آموزان به کاری متناسب با علاقه و استعداد او و بکارگیری روشها و سبکهای یادگیری متناسب با خلق و خوی دانش آموز و پیش راندن هر دانش آموز در حد ظرفیت خود، از گام های مؤثر در امر آموزش و پرورش می باشد (خوی نژاد، لطف آبادی و نظری نژاد، ۱۳۷۴).

از سوی دیگر، بر اساس تئوری اریکسون و کلبِرگ، استرس لازمه رشد و تحول روانی می باشد. در هر یک از مراحل رشدی فرد، یک بحران مربوط به آن دوره وجود دارد که اگر با موفقیت حل شود، به فرد اجازه حرکت به مرحله بالاتر را می دهد.

طبق تحقیقات اخیر نزدیک به نیمی از نوجوانان، مشکلاتی در زمینه مقابله با موقعیت های استرس زا در خانه و مدرسه دارند و تعداد و شدت این استرس ها از کودکی به بزرگسالی افزایش یافته است (اکبرزاده، ۱۳۷۶). چگونگی کنار آمدن با استرس، تعیین کننده تعادل روانی نوجوان می باشد (فولکمن و لازاروس، ۱۹۸۴؛ اکبرزاده، ۱۳۷۶). نوجوانان در جریان مقابله با بحران، تلاش و مبارزه ای را جهت دستیابی به نوعی خصوصیت انطباق روانی آغاز می کنند. مربیان و معلمان، باید ضمن آموزش مطالب درسی در مدرسه به دانش آموزان، آنها را برای زندگی بهتر آماده نمایند. اگوست کنت، پدر جامعه شناسی عقیده دارد که پیشرفت و ترقی بشر، بستگی کامل به آموزش و تربیت دارد و هدف تربیت نباید تنها، پرورش نیروی ذهنی باشد، بلکه باید همچنین حس عاطفه و محبت او را نسبت به هم نوع پرورش داده و او را برای زندگی فردا و دست و پنجه نرم کردن با مسائل و مشکلات زمانه، آماده سازیم. هربرت اسپنسر^۱ نیز تأیید می کند که کسب دانش علمی در تعلیم و تربیت،

^۱ Spenser